



فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری
دوره ۱۳ / شماره ۳ (پیاپی ۵۱) / پاییز ۱۴۰۳
صفحه ۱۷۷ تا ۱۹۲

بررسی انواع قراردادهای تامین مالی پروژه های بخش انرژی با تاکید بر تامین مالی از طریق عواید پروژه

صادق عبدی

دکتری حقوق نفت و گاز دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)
Sadeghabdi68@gmail.com

محمد امین سالاریان

دکتری حقوق بین الملل عمومی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات
amin_rasel2005@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۲

چکیده

انتخاب مناسب‌ترین روش برای اجرای طرح‌های زیربنایی، همیشه از مهمترین دغدغه‌ها و نگرانی‌های دولت‌ها، مخصوصاً دولت‌های در حال توسعه بوده است. یکی از موارد و موضوعات اساسی در زمینه‌ی پروژه‌های نفتی، نحوه‌ی تامین سرمایه‌ی لازم جهت اجرای پروژه‌های مزبور است. با توجه به این که، شرکت‌های بین‌المللی نفتی^۱، یا شرکت ملی نفت^۲، چگونه و از چه طریق در تامین سرمایه‌ی لازم جهت اجرای طرح‌های نفتی خود اقدام می‌کنند، نتایج و آثار مالی آن نیز، بالتبع، متفاوت خواهد بود. تاکنون روش‌های متنوعی به این منظور، طراحی و در موارد بسیاری اجرا شده است. به طور کلی، تامین مالی به دو بخش تقسیم می‌شود: تامین مالی شرکتی و تامین مالی پروژه‌ای. در این مقاله سعی بر آن است که به بررسی قالب‌های قراردادی تامین مالی پروژه‌ای با نگاهی به صنعت نفت و گاز و همچنین نگاهی گذرا به قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی و آیین‌نامه اجرایی آن جهت جذب سرمایه‌گذار خارجی برای طرح‌ها و پروژه‌های در کشور پرداخته شود.

واژه‌های کلیدی: تامین مالی پروژه‌ای، تامین مالی شرکتی، بیع متقابل، قراردادهای بی‌اوتی. (ساخت، بهره برداری، انتقال)، سرمایه‌گذاری خارجی.

^۱ - International Oil Company

^۲ - National Oil Company

۱- مقدمه

صنعت نفت و گاز، یک صنعت درگیر با انواع موضوعات قراردادی، حقوقی، اقتصادی، سیاسی، مباحث قانون گذاری، بازرگانی، تجاری و محیط‌زیستی می‌باشد. یکی از موضوعاتی که همیشه در انجام و اجرای طرح‌های زیربنایی، مورد توجه قرار گرفته است، روش‌های تأمین مالی این گونه طرح‌ها است. از آنجا که روش تأمین مالی یک پروژه بر روند و کیفیت آن اثر بارزی دارد و رمز موفقیت یک پروژه، تأمین مالی مناسب آن می‌باشد، از این رو شناخت اینکه چه معیارهایی و چه روشی در تأمین مالی یک پروژه مورد استفاده قرار گیرد، از اهمیت قابل توجهی برخوردار شده است. در تعدادی از پروژه‌ها با حمایت‌ها و اعتبارات دولتی می‌توان وجوه مورد نیاز را تأمین کرد، اما در پروژه‌های مهم و زیرساختی مورد نیاز کشور که امکان تأمین وجوه کامل آن توسط دولت فراهم نیست، مانند پروژه‌های نفتی، گازی، پتروشیمی و بسیاری از صنایع دیگر برای توسعه زیر ساخت‌ها نیاز اساسی برای حضور سرمایه‌گذاری خارجی و تأمین مالی پروژه توسط نهادهای غیر دولتی احساس می‌گردد. به عبارت دیگر، باید روشی را برگزید که بتوان با ریسک کمتر، امنیت اقتصادی و نحوه‌ی تأمین مالی طرح، تأمین شود تاکنون روش‌های متنوعی به این منظور، طراحی و در موارد بسیاری اجرا شده است. به طور کلی، تأمین مالی پروژه‌ها و طرح‌ها به دو بخش تقسیم می‌شود: تأمین مالی شرکتی و تأمین مالی پروژه‌ای. در تأمین مالی شرکتی، بازپرداخت تعهدات مالی پروژه از طریق تمام سرمایه و دارایی‌های شرکت صورت خواهد گرفت. در حالی که تأمین مالی پروژه عبارت است از افزایش اعتبار برای سرمایه‌گذاری در یک واحد اقتصادی، جایی که در آینده، جریان سرمایه از آن پروژه، به عنوان وثیقه‌ای برای وام است. پروژه‌های نفت و گاز با مقیاس بزرگ، یک موضوع مرسوم در جهت تأمین مالی پروژه‌ای شده است. یکی از این روش‌های قراردادی، که توانایی بالایی در این زمینه دارد، روش ساخت، بهره برداری و انتقال یا طرح‌های بی.اوتی. می‌باشد. بی.اوتی. می‌تواند یک نوع تأمین مالی پروژه تلقی شود، زیرا در هر دو روش وام دهندگان به اعتبار درآمدهای حاصل از اجرای پروژه بیع متقابل یا بی.اوتی. تسهیلات مالی را در اختیار شرکت مجری قرار می‌دهند. در طرح‌های بی.اوتی.، صاحب امتیاز، سرمایه‌گذاری می‌کند، دست به ساخت یک طرح می‌زند، آن را مورد بهره برداری قرار می‌دهد و سپس طرح را به دولت در پایان دوره امتیازش انتقال می‌دهد.

در این نوشتار، که به سه بخش کلی تقسیم شده است، در بخش اول، در خصوص مفهوم، اقسام و انواع تأمین مالی پروژه ای بحث خواهد شد، و سپس در بخش دوم، به قراردادهای بی.اوتی.، به عنوان یکی از روش‌های قراردادی و نیز، تأمین مالی پروژه ای نگاه خواهد شد و در بخش سوم، به نحوه‌ی سرمایه‌گذاری خارجی از طریق طرح‌های ساخت، بهره برداری و انتقال یا واگذاری، با نگاهی گذرا به قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی و آیین‌نامه اجرایی آن جهت جذب سرمایه‌گذار خارجی برای طرح‌ها و پروژه‌های در کشور پرداخته می‌شود.

۲. تعریف، مفهوم، مشخصه‌ی اصلی تأمین مالی پروژه‌ای

«تأمین مالی پروژه»^۱ عبارتی کلی است که شامل روش‌های گوناگون تأمین مالی می‌شود، که به موجب آن تمام یا بخشی از منابع مالی مورد نیاز یک پروژه توسط یک یا چند مؤسسه مالی و اعتباری صرفاً به اتکای عواید و

^۱ - Project Financing

درآمدهای آتی حاصل از اجرای پروژه تأمین می شود. هر چند در این روش بازپرداخت اصل و فرع وام از طریق درآمدهای حاصل از اجرای پروژه پیش بینی گردیده، اما دارایی های پروژه نیز به عنوان تضمین بازپرداخت محسوب می شود. همان طور که از این تعریف استنباط می شود، تأمین مالی پروژه یک مفهوم عام است که می تواند در قالب روش های قراردادی گوناگون محقق شود. به عنوان مثال، یک قرارداد بیع متقابل یا یک قرارداد بی.او.تی. می تواند یک نوع تأمین مالی پروژه تلقی شوند، زیرا در هر دو روش وام دهندگان به اعتبار درآمدهای حاصل از اجرای پروژه بیع متقابل یا بی.او.تی. تسهیلات مالی را در اختیار شرکت مجری قرار می دهند. اصلی ترین مشخصه تأمین مالی پروژه که این روش را از سایر روش های تأمین مالی از جمله روش های سنتی اخذ وام جدا می کند، اتکا به درآمدهای آتی حاصل از اجرای پروژه برای بازپرداخت اصل و فرع تسهیلات است (شیروی، ۱۳۸۹، ۳۱۹). مشخصه دیگری که در تأمین مالی پروژه وجود دارد، محدودیت مراجعه به شرکتهای مؤسس در خصوص تعهدات شرکت خاص پروژه است. به عبارت دیگر، در صورتی که خود شرکت نتواند تعهدات و دیون خود را انجام دهد و عواید طرح نیز کفاف بازپرداخت اصل و فرع را نداشته باشد، طلبکاران نمی توانند برای وصول مطالبات خود به مؤسسين مراجعه کنند. طلبکاران در حدی که «شرکت خاص پروژه» مال و دارایی داشته باشد می توانند به آن مراجعه کنند و برای وصول مطالبات خود از این شرکت نمی توانند به مؤسسين مراجعه نمایند، مگر تا میزان آورده مشروط به این که تمام آورده خود را تأدیه نکرده باشند (همان، ۳۲۱). تأمین مالی پروژه های زمان بر، برای گسترش میادین نفت و گاز نیز مورد استفاده گرفته است در کشورهای در حال توسعه، تأمین مالی پروژه های زیربنایی توسط منابع عمومی دولت امکان پذیر نمی باشد، لذا نحوه تأمین مالی و تهیه بودجه اجرایی لازم برای انجام پروژه های زیربنایی و بهره برداری از محصولات و خدمات حاصل از آن ها در حال حاضر به عنوان یکی از مهمترین چالش های پیش روی کشورهای در حال توسعه مطرح می باشد (سلگی، ۱۳۸۷، ۱). سرمایه گذاری های خاص، برای پروژه های با مقیاس بزرگ، در چهل سال گذشته، به طور یکنواخت، خصوصاً در زمینه های نفت، پتروشیمی، گاز، ساختاری و زیربنایی (مانند جاده ها)، مخابرات، الکترونیک و... افزایش پیدا کرده است (ghersi & sabal., 2006, 5). بخش نفت و گاز، تأکید و توجه بیشتری را برای کمک دولت ها و شرکتهای خصوصی برای سرمایه گذاری و مدیریت و کاهش ریسک های پروژه، می طلبد (razavi, 1996, 2).

تأمین مالی پروژه محور، یک تکنیک ابتکاری است که در سرمایه گذاری های بلندمدت، در بسیاری از پروژه ها مورد استفاده قرار گرفته است. نکته بسیار مهم این است که پیش زمینه انتخاب روش تأمین مالی مناسب، بررسی امکان سنجی پروژه بوده و با انتخاب روش صحیح تأمین مالی، هدف حداکثر کردن بازگشت سرمایه دنبال می شود، لذا برای این منظور، شناخت دقیق منابع مالی و ویژگی های حاکم بر آنها و همچنین شناخت مصارف مالی مورد نیاز، ضرورت دارد (قاسمی، ۱۳۸۸، ۲۴). به طور کلی می توان چند روش اساسی در تأمین منابع مالی تعریف کرد: ۱- استفاده از منابع داخلی و هزینه کرد مستقیم دولت (بودجه های عمرانی، درآمدها و ...) ۲- استقراض دولت (اعم از داخلی و خارجی) ۳- قراردادهای بیع متقابل ۴- قراردادهای ساخت و بهره برداری ۵- مشارکت مدنی ۶- سرمایه گذاری مستقیم غیردولتی (شامل بخش داخلی یا همان خصوصی سازی و نیز بخش خارجی) روش های تأمین منابع مالی پروژه های خدمات فنی و مهندسی، وزارت نیرو، ۱۳۸۸). استقراض دولت، آسان ترین

و سنتی‌ترین ساختار تأمین مالی می‌باشد (scott,2008,79). تأمین مالی پروژه ای، شامل یک بخش عمومی و یا خصوصی که متقبل سرمایه‌گذاری در یک امر خاص با یک هدف مشخص، از طریق یک مؤسسه قانونی مستقل است، می‌باشد (sorge,2004,92). تأمین مالی پروژه‌ای اغلب در ارتباط با هر دو بخش عمومی و خصوصی است. شاخص‌ترین مزیت تأمین مالی پروژه‌ای این است که خود پروژه و دارایی آن به عنوان تضمینی برای وام‌هایی که به پروژه داده می‌شود، مورد استفاده قرار می‌گیرد و این معنی است که ریسک‌هایی که وام‌دهندگان متقبل می‌شوند، همانند مسئولیت‌های اسپانسرهای پروژه، همگی وابسته به خود پروژه است (dufey,2007,50). همچنین در این مورد که چرا تأمین مالی پروژه محور در آسیا مهم است، اظهار کرده‌اند که کشورهای در حال توسعه در آسیا، از نظر تاریخی، با مشکلات و محدودیتهای سرمایه‌ای مواجه بوده‌اند و سرمایه‌ها در دست طبقه خاصی (از قبیل روابط خانوادگی، مؤسسات وابسته به دولت و ...) می‌باشد (vaaler et al,2008,28). از آنجایی که اجتناب از غرر یا عدم پذیرش خطر، یکی از اصول پذیرفته شده در اسلام است، استفاده از تأمین مالی پروژه‌ای جهت افزایش سرمایه، تأسیس روشی است که برای سرمایه‌گذاران سودآور و همراه با ریسک کم تر است (treasury,2001,5). از طرف دیگر، تأمین مالی پروژه‌ای اجازه می‌دهد که شرکت‌ها، ریسک‌ها را کاهش داده و ترازنامه‌ی خود را بهبود بخشند (Oesterreichische,2006,2). در مورد طرف‌های تأمین مالی پروژه‌ای می‌توان گفت، شرکت پروژه که این شرکت مشروعاً و قانوناً حق مالکیت، توسعه، ساخت، بهره‌برداری و نگهداری از پروژه را دارد، معمولاً یک SPV (special purpose vehicle) خلق می‌کند. اسپانسرهای پروژه، که حق اداره‌ی پروژه را دارند معمولاً جزء SPV هستند و از دیگر طرف‌های تأمین کننده مالی پروژه نیز هستند. وام‌گیرندگان (که ممکن است جزء SPV نباشند)، مشاوران مالی، وام‌دهندگان، مشاوران فنی، وکلا و حقوقدانان، سرمایه‌گذاران سهامدار که ممکن است جزء وام‌دهندگان یا اسپانسرها باشند ولی نقشی در مدیریت پروژه و شرکت نداشته باشند، از دیگر طرف‌های پروژه محسوب می‌شوند (fight,2006,11-15).

۳. تفکیک تأمین مالی پروژه‌ای از تأمین مالی شرکتی و مزایای تأمین مالی پروژه‌ای

سرمایه‌گذاری از طریق تأمین مالی پروژه، از سرمایه‌گذاری از طریق تأمین مالی شرکت بایستی تمیز داده شود، زیرا دارایی‌هایی که در روش تأمین مالی پروژه‌ای سرمایه‌گذاری می‌شوند جزئی از ترازنامه و سرمایه شرکت نیستند بلکه جزئی از سرمایه مؤسسات مستقل هستند (benjamin et al,2000,3). براساس اطلاعات شخصی هر سرمایه‌گذار و توان مالی آن، میزان سرمایه‌گذاری در تأمین مالی پروژه‌ها متغیر است (Crundwell,2008,572). از طرف دیگر، مالک پروژه می‌تواند پروژه را به اشکال مختلفی اجرا کند که این امر بستگی به مهارت‌ها و تجربیات او دارد (vaaler et al,2008,531). تأمین مالی از نگاه بین‌المللی، به طور کلی، به دو صورت، قابل تقسیم بندی است:

(۱) تأمین مالی شرکتی^۱: در این نوع از تأمین مالی، بازپرداخت تعهدات مالی پروژه از طریق تمام سرمایه و دارایی‌های شرکت صورت خواهد گرفت.

¹ - Corporate Finance

۲) تأمین مالی پروژه‌ای^۱: در این نوع از تأمین مالی، بازپرداخت تعهدات پروژه، از طریق عواید و درآمد حاصل از فروش تولیدات و سرمایه های مربوط به طرح بوده و این نوع از تأمین مالی، تا کنون، با استقبال بیشتری روبرو بوده است.

تأمین مالی پروژه‌ای را به عنوان یک سرمایه‌گذاری با سرمایه‌ی مستقل اصلی، که مسئولین شرکت، دارایی و تعهدات خود را از آن سرمایه جدا کرده باشند، تعریف کرده‌اند در بازار نفت و گاز، نمونه‌های معمول پروژه‌ها، شامل پروژه‌های اکتشاف نفت و گاز، عملیات حفاری، پالایشگاه‌ها و تصفیه‌خانه‌ها و شبکه‌های توزیع (برای مثال خطوط لوله و ذخیره سازی) است. اغلب پروژه های نفت و گاز را می توان به دو فاز متمایز تقسیم بندی کرد: فاز اول که قبل از اتمام پروژه است و شامل مواردی چون طراحی پروژه، توسعه، ساخت و تست است. فاز دوم بعد از اتمام پروژه و شامل عملیات بهره‌برداری و نگهداری از پروژه است، در این مرحله است که محصولی از پروژه در اولویت مرحله، تولید می شود (Kramer & Fusaro, 2010, 521-523). به طور کلی، تأمین مالی پروژه محور، تأمین مالی یک واحد اقتصادی است به گونه‌ای که در آن، وام دهنده به جریان نقدی ناشی از عملیات واحد اقتصادی و دیگر داراییهای واحد اقتصادی به عنوان تضمین بازپرداخت وام پروژه، توجه می نماید. تکنیک‌های تأمین مالی پروژه محور به عنوان یکی از ابزارهای تأمین مالی، گستره وسیعی از واحدهای اقتصادی سراسر جهان را فرا گرفته است (هیبتی، ۱۳۸۸، ۹۳). در تأمین مالی پروژه‌ای، دو موضوع اصلی وجود دارد: اول اینکه چگونه پروژه در طول ساخت، سرمایه گذاری خواهد شد، و دوم اینکه چگونه پروژه تبدیل به ساختاری شود که بتواند برای مدت طولانی ایجاد سرمایه کند (Crundwell, 2006, 13). از مزایای تأمین مالی پروژه می‌توان به این موارد اشاره کرد: اول، کاهش سهم در سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیربنایی اقتصادی و در نتیجه افزایش درآمد. دوم، تقسیم ریسک و تنوع ریسک که شامل ریسک‌های سیاسی، مالی، فنی و ... است. سوم، دسترسی به سرمایه‌گذاری برای مدت طولانی. چهارم، مزایایی مالیاتی (Giddy, 1996, 4). پنجم، ورود منابع مالی و مجاز برای پروژه‌ها. ششم، جبران هزینه‌های ناشی از عدم تجربه‌ی وام گیرنده (وزارت نیرو، ۱۳۸۴، ۶).

۴. اقسام تأمین مالی پروژه ای

در این گفتار به سه روش مهم و معمول در مورد اقسام تأمین مالی، یعنی روش EPC، روش Joint Venture و روش ECA پرداخته خواهد شد.

۴.۱ روش EPC

یکی از روش های نوین در اجرای طرح‌ها، روش مهندسی، تدارک و ساخت^۲ می باشد که با عنوان روش کلید در دست^۳ نیز نام برده شده است. در این نوع قرارداد، شرکت پیمانکار، مهندسی، تدارک و تأمین کلیه تجهیزات و ساخت پروژه را به طور مستقل و یا با اشخاصی که در طرف رابطه با شرکت مزبور می باشند، بر عهده گرفته و

^۱ - Project Finance

^۲ - Engineering Procurement Construction

^۳ - Turn Key

انجام می‌دهد (william & hall, 2004, 37). در قراردادهای Turnkey یا EPC، پیمانکار، مسئول طراحی، تهیه و ساخت است و طرف دیگر قرارداد (کارفرما)، یک طرح اتمام یافته را با بر طبق آنچه که مورد توافق قرار گرفته بود را تحویل می‌گیرد (huse, 2002, 17). پیمانکار در EPC لازم است که توانایی فعالیت مطابق با پارامترهای مورد نظر به وسیله خریداران خدماتشان را داشته باشند (hartman, 2003, 68). در این شیوه‌ی اجرایی طرح، با وجود محدودیتهایی برای کارفرما، با منتقل کردن تمامی فعالیت‌های طرح اعم از طراحی، تهیه و تأمین تجهیزات، اقدامات مربوط به ساخت و نصب و راه‌اندازی بر پیمانکار، کارفرما از مسئولیت در این زمینه، مبری می‌شود.

۴.۲ روش Joint Venture

در واقع JV^۱، یک واحد تجاری مستقلی است که به دو یا چند طرف، اجازه همکاری با یکدیگر در جهت فعالیت‌های تجاری مشخصی را می‌دهد (guterman, 2002, 10). جوینت ونچر بین المللی زمانی محقق می‌شود که فعالیت تجاری‌اش در منطقه‌ای اعمال شود که خارج از کشور متبوع حداقل، یکی از طرفین باشد (wolf, 2000, 6). جوینت ونچر ممکن است یکی از موارد زیر باشد: یک رابطه قراردادی بدون تأسیس یک مؤسسه حقوقی، مشارکت عمومی، مشارکت با مسئولیت محدود، شرکت با مسئولیت محدود، یک شرکت (American Bar Association, 2006, 5-6).

۴.۳ روش ECA^۲

در خصوص ECA میتوان به این موضوع اشاره نمود که نهادهای بخش عمومی و دولتی هستند که از طرف مقامات دولتی مورد حمایت قرار می‌گیرند و یا این که نهادها و یا شرکت‌های بخش خصوصی اند که به این کار اقدام می‌کنند (yescombe, 2002, 218). موسسات اعتبار صادرات بنگاهها یا سازمانهای خصوصی یا شبه دولتی هستند که بعنوان رابط میان دولت و صادرکنندگان در راستای تأمین مالی صادرات عمل میکنند. این موسسات خدمات مالی از قبیل ضمانت، وام و بیمه برای مشتریان خود فراهم می‌آورند تا سطح صادرات کشور خود را ارتقاء دهند. اصلی‌ترین هدف بنگاههای اعتبار صادرات رفع خطر و عدم قطعیت از پرداخت به صادرکننده توسط خریدار خارجی است. این موسسات خطر عدم بازپرداخت را از صادرکننده دور میکنند و خود آن را به عهده می‌گیرند. آنها همچنین خطرات تجاری و سیاسی سرمایه‌گذاری در بازارهای خارجی را بعهده می‌گیرند. به طور معمول موسسات اعتبار صادرات با پشتیبانی منابع دولتی به دو صورت در تأمین مالی پروژه‌ها وارد میشوند: اول با ارائه وام بصورت مستقیم با نرخ بهره ثابت، و دوم با تضمین وامی که بانک تأمین کننده مالی ارائه داده است.

^۱ - Joint Venture

^۲ - Export Credit Agency

۵. طرح های ساخت، بهره برداری و واگذاری BOT

۵.۱ تعریف طرح های BOT

قراردادهای تجاری بین المللی انواع بسیار متنوعی دارد یکی از آن ها قرارداد ساخت، بهره برداری و واگذاری است که از قراردادهای مهم تجاری بین المللی است و به طور گسترده در تجارت بین الملل مورد استفاده قرار می گیرد (شیروی، ۱۳۸۸ الف، ۲). ساخت، بهره برداری و انتقال، ترجمه عبارت Build-Operate-Transfer است که به طور اختصاری به آن بی.او.تی. می گویند. این عبارت در بردارنده سه مفهوم ساختن، اجرا و بهره برداری کردن و نهایتاً انتقال دادن است. در یک قرارداد متعارف بی.او.تی.، پروژه ای با مجوز دولت توسط یک شرکت خصوصی ساخته می شود و پس از ساخت، برای مدتی، مورد بهره برداری آن شرکت قرار می گیرد و پس از انقضاء مدت قرارداد، پروژه به دولت طرف قرارداد منتقل می شود. به عبارت دیگر، دولتی به یک کنسرسیوم خصوصی متشکل از شرکت های خصوصی امتیاز می دهد تا کنسرسیوم، مطابق قرارداد، تأمین مالی یک طرح زیربنایی را عهده دار شده، آن را بسازد و در ازای مخارجی که تقبل کرده برای مدتی از پروژه ساخته شده بهره برداری کند و پس از سپری شدن مدت قرارداد، پروژه و حق استفاده از آن را مجاناً به دولت منتقل نماید (شیروی، ۱۳۸۰، ۳۳).

نووعاً انجام پروژه های مالی با سرمایه خصوصی به شکل بی.او.تی. می تواند موجب تأسیسات زیربنایی جهت توسعه کشورها بدون استفاده از بودجه عمومی می شود (doug,2010,3). در BOT (ساخت، بهره برداری و انتقال)، BOO (ساخت، تملک و بهره برداری)، DBFO (طراحی، ساخت، سرمایه گذاری و بهره برداری)، DCMF (طراحی، ساخت، مدیریت و سرمایه گذاری)، یک نهاد و سازمان خصوصی مالی، ساخت و یا بازسازی تأسیساتی را فراهم می کند که ارائه کننده خدماتی به یک گروه واحد و یا کوچک یا به طور مستقیم به مصرف کنندگان است (به عنوان مثال، عوارض جاده ای) (delmon,2010,12).

۵.۲ مبانی و ساختار قراردادهای BOT

طرح های بی.او.تی.، به طرز چشمگیری رو به فزونی است. در این باره باید عنوان داشت که دولت ها به دنبال اعمال قدرت و نفوذ بر منابع محدود خود می باشند، در حالی که بخشی خصوصی، به دنبال توسعه و بسط فرصت های سرمایه گذاری می باشند. یکی از ویژگی های اصلی روش بی.او.تی.، که متفاوت از سایر روش ها می باشد، این است که دولت ها با پیشنهادهای^۱ از طرف بخش خصوصی مواجه می شوند که ابتکاری بوده و از پیش، از طرف دولت، تقاضایی در این خصوص، صورت نگرفته است (lee,2007, 231). در این روش، ساخت و بهره برداری پروژه، به مدت معینی توسط شرکتی به نام شرکت پروژه انجام می شود و انتقال پروژه به دولت میزبان پس از طی مدت معین بعد از تحصیل درآمد، تحقق می یابد (شکارچی، ۱۳۷۹، ۴۲۰). علی رغم وجود شباهتهای زیاد بین قرارداد بی.او.تی. و عقود معین به ویژه حق انتفاع و اجاره، تفاوتهای اساسی مانع از آن میشود که قرارداد بی.او.تی. حق انتفاع یا اجاره تلقی گردد و گرچه بین عقود فوق الذکر، به خاطر اجازه بهره برداری و انتفاع از پروژه در دوره بهره برداری، قرارداد بی.او.تی. به عقد حق انتفاع نزدیک تر است ولی بی.او.تی. علی رغم شکل ساده خود به علت حقوق

¹ - Unsolicited Proposals

و تعهدات متعدد طرفین قرارداد و قراردادهای متعدد دخیل در آن که گاه به حدود هفت الی هشت قرارداد ختم می‌گردد، وضعیت و ماهیت پیچیده داشته و ممکن است تلفیقی از چند قرارداد باشد (برزویی، ۳۷۴، ۱۳۸۵-۳۷۵). ساختار حقوقی موسوم به ساخت، بهره برداری، واگذاری (BOT)، یا ساخت، بهره برداری، تملک، واگذاری (BOOT)، اغلب و به طور معمول در آمریکای لاتین و آسیا جهت سرمایه‌گذاری و انجام پروژه‌های تأسیسات زیربنایی در کشورهای در حال توسعه مورد استفاده قرار گرفته است. مکانیزم بی.اوتی. همچنین مناسب برای دریافت کمک‌های مالی چندجانبه از طریق موسسات مالی بین‌المللی^۱ متخصص در ساخت تأسیسات زیربنایی و اقتصادی و پروژه‌های توسعه و بازسازی برای کشورهای در حال توسعه، مانند بانک جهانی یا بانک‌های توسعه منطقه‌ای برای قاره‌های مختلف است (doug, 2010, 2). طرح‌های بی.اوتی.، ترتیبات معمول و متعارف تجارتي نیستند. آن‌ها عمدتاً و بیشتر (و احتمالاً فقط) در قراردادهای بخش عمومی و به طور مشخص برای ایجاد راه فرار از محدودیت‌های مالی و (یا) جهت مخفی کردن سیاست‌های متخذه مالی است. به علاوه، این طرح‌ها زمانی که محدودیت‌های سرمایه‌گذاری یا سایر محدودیت‌های مالی، شدید هستند، مورد جذب این گونه کشورها قرار می‌گیرند. همچنین، باید دانست که در بررسی‌های عمل‌آمده، در برخی از طرح‌های بی.اوتی.، از جمله فرودگاه‌ها، که دولت، خود، قسمتی از طرح بی.اوتی. را تعهد و تأمین مالی می‌نماید، سرمایه‌گذاران، رغبت بیشتری جهت مشارکت در این گونه طرح‌ها، از خود، نشان داده‌اند (dikmen, 2009, 364). البته، در مواردی که دولت میزبان، قرار است که در طرح‌های زیربنایی، تضامینی را در قراردادهای بی.اوتی. بدهد، می‌بایست با درک صحیح و آگاهی کامل از ریسک‌ها و تحلیل مسؤلیت‌ها هم‌راه باشد، تا اینکه دولت، قادر به انتخاب مناسب‌ترین ابزار مالی حمایتی، جهت طرح‌های زیربنایی خود باشد (wibowo, 2004, 402).

۵.۳ پروژه‌های موضوع قراردادهای BOT

قراردادهای BOT یا BOOT، متضمن ایجاد نفع و سود توسط یک نمایندگی به تمام اطراف این قرارداد، شامل متعهدان بخش خصوصی، توسعه‌دهندگان، سرمایه‌گذاران و از همه مهم‌تر، دولت میزبان می‌باشد (asian development bank, 1997, 2). عاملی که دارنده امتیاز را تحریک و تشویق به حفظ تأسیسات در یک وضعیت مناسب می‌کند، الزام دارنده امتیاز به انتقال تأسیسات در آن وضعیت به دولت میزبان، در پایان دوره امتیاز است. این امر در رابطه با پروژه‌های بی.اوتی. است (sadka, 2009, 12). طرح‌های بی.اوتی.، معمولاً شامل جاده‌ها، پل‌ها، تهیه و تأمین آب و اقدامات شبکه فاضلابی، بیمارستان‌ها، امور مربوط به زندانیان، توزیع امکانات و خطوط لوله هستند. شرکت ممکن است خدمات خود را به طور مستقیم به دولت یا این که به عموم بفروشد. این پروژه‌ها شامل گستره وسیعی از طرح‌های اقتصادی مثل جاده‌ها و بزرگراه‌ها، فرودگاه‌ها، بنادر، سیستم تهیه آب و آب‌رسانی، فاضلاب، تولید نیرو و برق‌رسانی، مخابرات، استخراج نفت و گاز و پخش محصولات نفتی، استخراج معادن و ساخت تونل‌ها، پل‌ها، خطوط راه آهن، مترو و غیره می‌باشد. از لحاظ نظری، دلیلی وجود ندارد که استفاده از بی.اوتی.، محصور و محدود به پروژه‌های معینی باشد. به عنوان نمونه، ساخت هتل‌ها و مراکز تفریحی و توریستی،

¹ - International Financial Institutions

راه اندازی مراکز درمانی و بهداشتی و حتی برنامه های کامپیوتری و غیره از مواردی است که امروزه در کنار پروژه های سنگین زیربنایی، موضوع قراردادهای بی.اوتی. واقع می شوند (شیروی، ۴۱، ۱۳۸۰).

۶. سرمایه گذاری خارجی و نحوه تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی و آئین نامه اجرایی آن
کشورهای جهان سوم با باز کردن درهای اقتصاد خود نه تنها موجب انتقال کالاها، خدمات و منابع مالی کشورهای صنعتی به کشورهای خود می شوند، بلکه همچنین آثار توسعه ای یا ضد توسعه ای حاصل از انتقال فن آوری ها و الگوهای مصرف این کشورها را نیز وارد می کنند، اثر چنین انتقالات فنی و اقتصادی بر فرایند توسعه می تواند مثبت یا منفی باشد (ابریشمی، ۲۲۱، ۱۳۸۹). در این بخش ابتدا به سرمایه گذاری خارجی و سپس به موارد پیش بینی شده به منظور تشویق و حمایت سرمایه گذار خارجی با توجه به قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی و آئین نامه اجرایی آن خواهیم پرداخت.

۶.۱ سرمایه گذاری خارجی از طریق طرح های ساخت، بهره برداری و انتقال، با توجه به قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی و آئین نامه اجرایی آن

در قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی تعریف نسبتاً جامعی از سرمایه گذار خارجی در ماده ۱ ارائه شده است: «اشخاص حقیقی یا حقوقی غیر ایرانی و یا ایرانی با استفاده از سرمایه با منشاء خارجی که مجوز سرمایه گذاری موضوع ماده ۶ را اخذ نموده باشد.» بنابراین سرمایه های ایرانیان در خارج از کشور در صورت ورود به ایران از حمایت های قانونی برخوردار میگردند (برزوئی، ۳۱۳، ۱۳۸۵). طبق ماده ۳ قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۱: «سرمایه گذاری های خارجی که براساس مفاد این قانون پذیرفته می شوند از تسهیلات و حمایت های این قانون برخوردارند. این سرمایه گذاری ها به دو طریق زیر قابل پذیرش هستند: الف- سرمایه گذاری های مستقیم خارجی در زمینه هایی که فعالیت بخش خصوصی در آن مجاز می باشد. ب- سرمایه گذاری های خارجی در کلیه بخش ها در چارچوب روش های مشارکت مدنی، بیع متقابل و ساخت، بهره برداری و واگذاری که برگشت سرمایه و منافع حاصله، صرفاً از عملکرد طرح مورد سرمایه گذار، ناشی و متکی به تضمین دولت یا بانک ها و یا شرکت های دولتی نباشد» در بدو امر به نظر می رسد قانون گذار به دو طریق سرمایه گذاری مستقیم و غیرمستقیم اشاره کرده است یعنی در بند «الف»، سرمایه گذاری خارجی به طور مستقیم و در بند «ب» سرمایه گذاری خارجی به طور غیرمستقیم را مبنای تقسیم بندی خود قرار داده است، ولی با دقت می توان دریافت که در بند «ب»، موارد مطرح شده توسط قانون گذار از جمله جوینت ونچر (Joint Venture) و یا ساخت، بهره برداری و انتقال هم می تواند به صورت مستقیم و هم به صورت غیرمستقیم، سرمایه گذاری شود. از طرف دیگر، باید دید مبنای تقسیم بندی قانون گذار چیست، در این مورد باید گفت، این، زمینه های سرمایه گذاری است که مبنای تقسیم قانون گذار قرار گرفته است. این که چارچوب سرمایه گذاری (مستقیم و یا غیرمستقیم) چیست، از نظر قانون گذار مهم نبوده بلکه خود سرمایه گذاری برای قانون گذار اهمیت داشته است. به عبارت دیگر، قانون گذار، سرمایه گذاری خارجی را به دو بخش تقسیم کرده است: اول. سرمایه گذاری خارجی در کلیه بخشها یا بخشهایی

که بخش خصوصی مجاز به فعالیت در آن است که این بدون قید محدود کننده است و تملک نامحدود را به دنبال دارد. دوم. سرمایه‌گذاری خارجی در مواردی که تملک نامحدود را به دنبال ندارد و در چارچوب روش‌های مشارکت مدنی، بیع متقابل و ساخت، بهره‌برداری و واگذاری، صورت می‌گیرد، به عبارت دیگر چارچوب‌های مذکور در بند «ب» ماده مزبور غالباً نباید منتهی به تملک بخش خصوصی سرمایه‌گذار بشود و یا حداقل آن مواردی که در دست و انحصار دولت است نباید به تملک بخش خصوصی درآید. بنابراین ملاک تقسیم‌بندی قانون‌گذار، امکان و یا عدم امکان تملک و یا دارا شدن عنوان مالکیت موضوع سرمایه‌گذاری بوده است. پس می‌توان گفت طرح‌های ساخت، بهره‌برداری و واگذاری (BOT) که موضوع این نوشتار است می‌تواند هم به صورت مستقیم و هم غیرمستقیم شکل بگیرد.

از طرف دیگر، سرمایه‌گذاری در چارچوب روش‌های مندرج در بند «ب» ماده ۳، هرکدام به انواع مختلفی تقسیم‌بندی می‌شوند. مثلاً طرح‌های ساخت، بهره‌برداری و واگذاری خود به انواع متفاوتی تقسیم می‌شوند. آئین‌نامه اجرایی قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۱، وزارت اقتصاد و دارایی (هیأت وزیران)، در ماده ۳ خود آورده است: «پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی براساس قانون و ضوابط مندرج در این آئین‌نامه در چارچوب روش‌های زیر است: الف- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ب- سرمایه‌گذاری خارجی در چارچوب ترتیبات قراردادی شامل انواع روش‌های ساخت، بهره‌برداری و واگذاری، بیع متقابل و مشارکت مدنی» این ماده نیز همانند ماده ۳ از قانون مزبور، به ظاهر، ابتدا سرمایه‌گذاری را به دو قسمت مستقیم و غیرمستقیم، تقسیم‌بندی کرده است در حالی که همان‌طور که گفته شد، سرمایه‌گذاری در مورد روش‌های بند «ب»، هم شامل سرمایه‌گذاری از طریق مستقیم ممکن است انجام گیرد و هم از طریق غیرمستقیم. لازم به ذکر است که قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، امکان سرمایه‌گذاری در کلیه حوزه‌های فعالیت اقتصادی در ایران را فراهم می‌سازد. در حقیقت، هیچ عرصه‌ای به جز حوزه‌های مربوط به تسلیحات، مهمات و امنیت ملی برای سرمایه‌گذاری خارجی، مسدود نمی‌باشد.

۶.۲ موارد پیش‌بینی شده به منظور تشویق و حمایت سرمایه‌گذار خارجی در طرح‌های ساخت، بهره‌برداری و واگذاری (BOT) توسط قانون‌گذار

ابتدا باید گفته شود که منظور از حمایت در قانون مزبور، برخورداری از حقوق و مزایای خاصی است که به موجب این قانون به سرمایه‌گذار تعلق می‌گیرد، از قبیل حق انتقال سود و سرمایه و منافع آن به ارز خارجی، حق دریافت خسارت ناشی از سلب مالکیت و ملی شدن سرمایه خارجی و یا برخورداری از رفتار یکسان و برابر با سرمایه‌گذاران داخلی و ... یکی از این حمایت‌ها در تبصره ماده ۳ قانون مذکور در رابطه با طرح‌های ساخت، بهره‌برداری و واگذاری آمده است: «مادام که سرمایه‌گذاری موضوع روش‌های ساخت، بهره‌برداری و واگذاری مندرج در بند «ب» این ماده و سود مترتب بر آن مستهلک نشده است، اعمال حق مالکانه نسبت به سهم باقی مانده در بنگاه اقتصادی سرمایه‌پذیر توسط سرمایه‌گذار خارجی مجاز می‌باشد» ولی با کمی دقت این پرسش مطرح می‌شود چرا نسبت به سهم باقی مانده این امکان وجود دارد. این عبارت ریسک سرمایه‌گذاری را به شدت بالا می‌برد. چرا

سرمایه گذار خارجی فقط نسبت به سهم باقی مانده میتواند اعمال حق مالکانه را اعمال نماید در موردی که سرمایه خارجی و سود مترتب بر آن مستهلک نشده است. در حالی که تمام پروژه نوعی پشتوانه برای سرمایه گذار خارجی جهت بازگشت سرمایه و تحصیل سود است. به عبارت دیگر، مثل این است که از ابتدا، سرمایه گذار خارجی با دولت ایران، یک نوع «مالکیت مشاع»، نسبت به مورد سرمایه گذاری دارند و هر چقدر که سود کسب می شود، از مالکیت سرمایه گذار خارجی کاسته می شود، یعنی یک نوع از مالکیت تدریجی، در حالی که هیچ سرمایه گذار خارجی حاضر به قبول چنین شرطی که حاوی مالکیت تدریجی برای او باشد، نیست، مگر اینکه بگوییم، منظور قانون گذار، حفظ مالکیت برای دولت و داشتن مالکیت منافع برای سرمایه گذار خارجی است، ولی این امر نه تنها سودی برای دولت ندارد، بلکه ممکن است متضمن ضرر هم باشد.

دارا بودن مالکیت بدون هیچ انتفاعی، چه سودی برای دولت دارد. دارا بودن مالکیت متضمن این است که اگر مورد سرمایه گذاری، دچار حادثه گردید، مالک (دولت)، مجبور به انجام تعمیرات و بازسازی باشد، بدون اینکه نفعی برای وی به همراه داشته باشد. یکی از مواردی که سرمایه گذار خارجی به احتمال زیاد ممکن است در کشورهای در حال توسعه برخورد کند و متضمن ضرر برای او باشد، جایی است که با وضع قانون و یا تصمیمات متخذه توسط دولت، اجرای موافقت نامه با ممنوعیت و یا توقف مواجه شود. به همین دلیل در بند «ب» از ماده ۴ آئین نامه اجرایی قانون مزبور، در قسمت ویژگی ها و تسهیلات خاص در رابطه با سرمایه گذاری در چارچوب ترتیبات قراردادی، آورده شده است: «جبران زیان سرمایه گذاری خارجی ناشی از ممنوعیت و یا توقف اجرای موافقت نامه مالی بر اثر وضع قانون و یا تصمیمات دولت، حداکثر تا سقف اقساط سررسید شده توسط دولت، تضمین می شود»، اصلاً موافقت نامه مالی که در عرف بازار تامین مالی و سرمایه گذاری، به معنای همان قراردادی است که سرمایه گذار خارجی (وام گیرنده)، با بانک منعقد کرده، چه ارتباطی به طرف ایرانی دارد که قانون گذار آن را ذکر کرده است. تنها یک فرض نادر وجود دارد و آن این است که فعالیت های بانک مذکور، از طرف دولت ایران مورد تحریم قرار گیرد، و یا اینکه اجرای موافقت نامه های مالی، در ایران ممنوع اعلام شود، ولی چرا قانون گذار که باید به موارد مبتلا به بپردازد، چنین فرض نادری را منظور کرده است یا اینکه بگوییم، منظور از موافقت نامه مالی، همان قراردادی است که بین طرف ایرانی با سرمایه گذار خارجی بسته شده است، یعنی همان قرارداد اصلی، ولی از عبارات بعدی ماده خلاف این فرض اخیر استنباط می شود، ابهام اصلی ماده این است که چرا تا سقف اقساط سررسید شده توسط دولت تضمین می شود. وقتی که صحبت از اقساط می شود، ذهن دوباره متوجه همان موافقت نامه مالی میان سرمایه گذار خارجی (وام گیرنده)، با بانک می شود و نه قرارداد اصلی بین طرف ایرانی با سرمایه گذار خارجی، زیرا بازپرداخت وام با اقساط می باشد، ولی از طرف دیگر در خود قرارداد اصلی یک سری موافقت نامه هایی وجود دارد که تعهدات دولت به صورت ادواری و اقساطی است، ولی چون ماده می گوید از طرف دولت تضمین می شود، نمی توان فرض اخیر را در نظر گرفت، اما نکته اصلی این است که چرا تا سقف اقساط سررسید شده؟ اگر بنا به فرض، زمان قرارداد اصلی بیست ساله باشد، و سرمایه گذار خارجی، به عنوان مثال، ۲۰۰ میلیون یورو از بانک خارجی وام گرفته باشد که هر ساله ۱۵ میلیون یورو باز گرداند و بعد از یک سال از تاریخ انعقاد قرارداد اصلی بین طرف ایرانی با سرمایه گذار خارجی، اجرای موافقت نامه های مالی در ایران ممنوع

اعلام شود و یا فعالیت‌های بانک مورد نظر در ایران مورد تحریم واقع گردد، طرف ایرانی فقط مسوول پرداخت ۱۵ میلیون یورو خواهد بود نه بیشتر، و این امر، ریسک سرمایه‌گذاری را در ایران به شدت بالا می‌برد و موجب عدم انگیزه جهت سرمایه‌گذاری در ایران می‌شود، ولی می‌توان تفسیر بسیار بهتری را از ماده مذکور به عمل آورد و آن این است که بگوییم بعد از اعلام ممنوعیت و یا تحریم، تمام اقساط حال شده محسوب خواهد شد و طرف ایرانی با توجه به مقتضیات زمان، تمام اقساط را پرداخت کرده و خود جانشین بانک مذکور میشود و سرمایه‌گذار خارجی نیز به ادامه فعالیت خود بپردازد. در ماده ۹ آئین نامه اجرایی قانون مزبور آمده است: «انتقال حقوق مالکانه به طرف ایرانی تعیین شده در قراردادهای ساخت، بهره‌برداری و واگذاری، حسب توافق طرفین قرارداد، از طریق واگذاری تدریجی حقوق مالکانه در طول مدت قرارداد و یا واگذاری یک‌جای حقوق مکتسبه در پایان دوره قرارداد عملی می‌شود»، در این ماده، انتقال حقوق مالکانه به طرف ایرانی تعیین شده در قراردادهای بی.اوتی، تماماً بر حسب توافق طرفین قرارداد می‌باشد اعم از اینکه به صورت تدریجی باشد و یا یکجا.

از دیگر حقوق و مزایایی که برای سرمایه‌گذاری خارجی پیش‌بینی شده است می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: حق انتقال سود و سرمایه و منافع آن به ارز خارجی، حق دریافت خسارت ناشی از سلب مالکیت و ملی شدن سرمایه خارجی، حق دریافت خسارت ناشی از وضع قوانین و یا مصوبات دولت که موجب ممنوعیت و یا توقف اجرای قراردادهای مالی سرمایه‌گذار خارجی گردد، برخورداری از رفتار یکسان و برابری سرمایه‌گذاران داخلی. همچنین باید گفته شود که سرمایه‌گذار خارجی نیاز به اخذ مجوز برای سرمایه‌گذاری دارد که براساس ماده ۶ قانون مزبور انجام می‌شود. مجوز این گونه سرمایه‌گذاری‌ها با امضاء وزیر امور اقتصاد و دارایی صادر می‌شود. در مجوز سرمایه‌گذاری، زمینه مورد سرمایه‌گذاری، شرکای ایرانی و خارجی، نوع و نحوه سرمایه‌گذاری، درصد مشارکت و میزان سرمایه‌گذاری خارجی، چگونگی انتقال سود و منافع حاصله و سایر شرایط مربوط به طرح مورد سرمایه‌گذاری ذکر می‌گردد. مورد دیگر اینکه کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی خارجی و یا شرکت‌ها، موسسات و سازمان‌های بین‌المللی و همچنین اشخاص حقیقی و یا حقوقی ایرانی دارای سرمایه با منشأ خارجی می‌توانند طبق قانون سرمایه‌گذاری خارجی، مبادرت به سرمایه‌گذاری در کشور نموده و از مزایایی قانون برخوردار شوند.

۷. نتیجه‌گیری

روش بی.اوتی، در توسعه‌ی طرح‌های زیربنایی، به طرز چشمگیری توسط بسیاری از کشورها بویژه کشورهای در حال توسعه، که نیاز به توسعه‌ی پایدار طرح‌های مزبور، به علت افزایش جمعیت و رشد اقتصادی دارند، رو به افزایش است. روش بی.اوتی، اگر به طرز صحیح انجام گیرد، مزایای بسیاری از جمله در کارایی طرح‌های زیربنایی، مدیریت ریسک، انتقال فن آوری، ایجاد اشتغال، ورود سرمایه به کشور و همچنین، عمران و آبادانی کشور در مواردی که دولت، یا تمایل به سرمایه‌گذاری ندارد و یا اینکه با وجود تمایل، از نظر مالی توانایی ندارد، دارد. موفقیت در طرح‌های بی.اوتی، به طرز چشمگیری وابسته به انتخاب و نوع طرح می‌باشد. اگرچه این امر بسیار مشکل می‌باشد که از ابتدا و در بدو امر تمام عوامل نامطمئن‌های طرح، در نظر گرفته شده و بتوان آنها را به صورت کمی درآورد، اما با این وجود، زمان انتخاب یک پروژه، توسعه‌دهندگان طرح، در اغلب موارد بر تجربه‌ی خود

اعتماد و تکیه می کنند. همچنین باید در نظر داشت که در کجا، در چه زمانی و در چه نوع طرحی، وارد بازار بی.اوتی. شد.

این مدل هم برای بخش خصوصی و هم برای بخش دولتی، منافع و مضراتی از نظر مالی دارد. درآمدهای بیشتر از هزینه سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری، انتقال درآمدها به خارج از کشور تحت شرایط خاص، بهره‌برداری از پروژه‌ها بر اساس تجربیات و سیاست‌های خودشان، استفاده از منابع مالی طی دوره بهره‌برداری، تخصیص سرمایه‌گذاری، معافیت‌های مالیاتی مهم‌ترین منافع این مدل برای بخش خصوصی می باشد. حساسیت بالای مدل به ثبات اقتصادی کشور و سیاسی کشور، هزینه‌های بالای سرمایه‌گذاری و به خصوص تغییرات احتمالی در سیاست‌های سرمایه‌گذاری خارجی دولت مهم‌ترین مضرات برای این مدل می باشد. به منظور غلبه بر این مضرات، بخش خصوصی در جستجوی تضمین بازگشت سرمایه خود است. فرصت‌های مالی افزایش یافته، عدم تاثیرپذیری جمع بدهی‌های خارجی دولت، افزایش ظرفیت‌های وام‌گیری خارجی دولت و در نتیجه تاثیرگذاری بر موازنه مثبت خارجی، منافع پروژه BOT برای دولت هستند. بعضی از مضرات این مدل‌ها برای دولت افزایش قیمت محصول به دلیل سود بالای تقاضا شده توسط بخش خصوصی به دلیل پذیرش ریسک بالاتر و بیشتر است.

در این نوشتار به اختصار، بررسی گردید که قراردادهای بی.اوتی. وضعیت و ماهیت پیچیده داشته و ممکن است تلفیقی از چند قرارداد باشد، همچنین، قراردادهای مزبور، به انواع مختلفی تقسیم می شوند و هر یک، صرف نظر از تفاوت‌های دیگر، با توجه به دامنه‌ی وسعت و حجم کار، از دیگری متمایز است. همچنین، دیدیم که قانون‌گذار ایران، با توجه به نیاز دولت به سرمایه‌های خارج از کشور، جهت به ثمر رساندن طرح‌های زیربنایی، اجازه‌ی استفاده از روش‌های بی.اوتی را داده است، اما محدودیت‌های زیادی را بر آن وارد آورده که از انگیزه‌های سرمایه‌گذار خارجی برای مشارکت در امر سرمایه‌گذاری کاسته است. از جمله‌ی این محدودیت‌ها می توان به این مورد اشاره کرد که هیچ گونه تضمینی در این طرح‌ها، از طرف دولت به پیمانکار، داده نمی شود.

فهرست منابع

- * ابریشمی، حمید، محسن مهرآرا، محمدرضا ایران نژاد، (۱۳۸۹)، بررسی اثر سیاست‌های آزاد تجاری بر رشد اقتصادی (مطالعه موردی کشورهای اسلامی)، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۹۱.
- * برزویی، عباس، (۱۳۸۵)، وضعیت حقوقی قراردادهای BOT در حقوق ایران با بررسی تطبیقی، رساله‌ی دکتری، دانشگاه تهران
- * وزارت نیرو، (۱۳۸۸)، روش‌های تأمین منابع مالی پروژه‌های خدمات فنی و مهندسی، معاونت برنامه ریزی و امور اقتصادی، دفتر بررسی‌های اقتصادی و توسعه صادرات.
- * سلگی، معصومه، (۱۳۸۷)، تأمین مالی پروژه‌ای در صنعت نفت، مجموعه مقالات اولین کنگره مالی توسعه نظام پیمانکاری صنعت نفت.

- * شکارچی، سلیمان، روبین طاهری و علی بهرنگی، (۱۳۷۹)، به کارگیری روش ساخت، بهره برداری، واگذاری (BOT) در توسعه نیروگاه های برق آبی ایران، چهارمین کنفرانس سدسازی.
- * شیروی، دکتر عبدالحسین، (۱۳۸۹)، حقوق تجارت بین الملل، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
- * شیروی، عبدالحسین، (۱۳۸۸)، برخی از نکات مهم در تنظیم قراردادهای بین المللی، فصلنامه حقوقی میزان، دوره جدید، شماره ۳ و ۴.
- * شیروی، عبدالحسین، (۱۳۸۰)، پروژه های ساخت، بهره برداری و انتقال (BOT)، مجله نامه مفید، شماره ۶.
- * شیروی، عبدالحسین، سید نصرالله ابراهیمی، (۱۳۸۸)، اکتشاف و توسعه میادین نفتی ایران از طریق قراردادهای بیع متقابل، ترجمه مجتبی اصغریان، مجله حقوقی بین المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین المللی ریاست جمهوری، سال بیست و ششم، شماره ۴۱.
- * عزیز الهی، محمدرضا، (۱۳۸۴)، قرارداد بیع متقابل، فصلنامه علمی- تخصصی (علوم انسانی- اجتماعی)، حوزه و دانشگاه، سال یازدهم.
- * قاسمی، حمید، (۱۳۸۸)، کارآگاه، فصلنامه انجمن انبوه سازان قزوین، شماره ۱۲.
- * وزارت نیرو، (۱۳۸۴)، روش های مختلف تأمین مالی پروژه ها فاینانس خارجی، معاونت امور آب.
- * هییتی، فرشاد، احمدی، موسی، (۱۳۸۸)، بررسی تکنیک های تأمین مالی پروژه محور در تأمین مالی اسلامی، پژوهشنامه اقتصادی، سال نهم، شماره سوم.
- * S. Kramer and P. C. Fusaro.(2010), Structured Financing Techniques in Oil and Gas Project Finance: Future Flow Securitizations, Prepaids, Volumetric Production Payments, and Project Finance Collateralized Debt Obligations, In Energy and Environmental Project Finance Law and Taxation, New Investment Techniques, London: Oxford University Press, pp, 521-556.
- * [Alan.Gutterman](#).(2002), A short course in international joint ventures: negotiating, forming, and operating the international joint venture, [The short course in international trade series, Demystifying Technology Series](#), World Trade Press.
- * American Bar Association, (2006), Model joint venture agreement with commentary, [G - Reference, Information and Interdisciplinary Subjects Series, American Bar Association. Joint Venture Task Force of the Negotiated Acquisitions Committee, Committee on Negotiated Acquisitions](#), American Bar Association.
- * Andreas Wibowo.(2004), Valuing Guarantees in a BOT Infrastructure Project, Engineering, Construction and Architectural Management, Emerald Group Publishing Limited, Volume 11, Number 6.
- * [Andrew, Fight](#), (2006), Introduction to project finance- [Essential capital markets](#), Butterworth-Heinemann.
- * Annie, Dufey, (2007), Project finance, sustainable development and human rights, Case study 1: the Baku Tbilisi-Ceyhan (BTC) pipeline, DRAFT PAPER, International Institute for Environment and Development (IIED).
- * Asian Development Bank, (1997), Technical Assistance for legal Training in BOT/ BOOT Infrastructure Development, Harvard Business School.
- * Benjamin C. Esty and William L Megginson, (2000)., Syndicate Structure as a Response to Political Risk in the Project Finance Loan Market, Harvard Business School.
- * [E. R. Yescombe](#), (2002), Principles of project finance, Academic Press

- * [Francis T. Hartman](#), (2003), Ten commandments of better contracting: a practical guide to adding value to an enterprise through more effective SMART contracting, ASCE Publications.
- * [Frank Kenneth Crundwell](#), (2008), Finance for Engineers: Evaluation and Funding of Capital Projects, Springer publishing.
- * H. Ghersi and J. Sabal, (2006), An Introduction to Project Finance in Emerging Markets, Hecho el deposito de ley, IESA.
- * Hossein Razavi, (1996), Financing Oil and Gas Projects in Developing Countries, Finance & Development.
- * Ian, Giddy, (1996), Project Financing, Stern School of Business, New York University, Asset-Backed Securities, Giddy/ABS.
- * International Monetary Fund.(1991), Annual Report, UNCITRL, Washington D.V., ISSN Press.
- * Irem Dikmen, M, , Talat Birgonul and Guzide Atasoy, (2009), Best Value Procurement in Build Operate Transfer Projects: The Turkish Experience, (From the Book: Policy, Finance & Management for Public-Private Partnerships, Edited by Akintola Akintoye and Matthias Beck), A John Wiley & Sons, Ltd., Publication, First Published,Printed in Singapore by Utopia Press Pte Ltd.
- * Jeffrey,Delmon, (2010), Understanding Options for Public-Private Partnerships in Infrastructure Sorting out the forest from the trees: BOT, DBFO, DCMF, Concession, Lease, The world Bank Finance Economics and Urban Department.
- * [Joseph A. Huse](#), (2018) Understanding and negotiating turnkey and EPC contracts, Second edition, Sweet & Maxwell.
- * Marco,Sorge, (2004), The nature of credit risk in project finance, Bank for International Settlements, [BIS Quarterly Review](#).
- * National Treasury, (2001), Project Finance Introductory Manual on Project Finance for Managers of PPP Projects, Hecho el deposito de ley, IESA.
- * Oesterreichische, Kontrollbank AG, (2006), Project Finance and Structured Finance: Flexible Financing Solutions for Investment, Gerald Schuba Corporate Communications, Vienna.
- * Paul M, Vaaler. Barclay E. James and Ruth V. Aguilera, (2008) ,Risk and capital structure in Asian project finance, [Asia Pacific Journal of Management, Volume 25](#), pp, 25-50.
- * [Ronald, Charles Wolf](#), (2000),Effective international joint venture management: practical legal insights for successful organization and implementation, M.E. Sharpe.
- * Sangjoo, Lee, (2007), Entry Decision for Unsolicited Build-Operate-Transfer (BOT) Highway Projects: Real Options Approach, A Thesis Submitted to the Faculty of the Graduate School of the University of Colorado in Partial Fulfillment of the Requirement for the Degree of Doctor of Philosophy Department of Civil, Environmental, and Architectural Engineering.
- * [Scott L. Hoffman](#), (2008), The law and business of international project finance, 3 revised, Cambridge University Press.
- * Wendy, Nicole Duong, (2010), Revisiting the BOT Structure in Direct Foreign Investment Transactions, University of Denver Sturm College of Law, U Denver Legal Studies Research Paper No. 10-15.
- * [William R. Mincks](#) and [Hal Johnston](#), (2004), Construction jobsite management, Second edition, Cengage Learning.

An overview of contractual methods of financing energy projects with emphasis on Project revenues

Sadegh Abdi

Ph.D in oil and gas law, university of Tehran
sadeghabdi68@gmail.com

Mohammad amin Salarian

Ph.D in public international law, Azad university
Amin_rasel2005@yahoo.com

Abstract

Choosing the best method for implementing infrastructure projects is always the main concern of governments, especially the governments of developing .One of the main issues in the field of oil projects is the supply of capital for these projects .According to the international oil companies and national oil companies, how and in what way will attempt the funds required for the implementation of oil projects, Outcome and financial effects also, consequently, will be different. Up to now, various methods have been implemented for this purpose. In general, financing is divided into two parts: Corporate financing and project financing. In This paper is paid to examine the contractual terms of financing a project looking at the oil and gas industry as well as a quick look at the Foreign Investment Promotion and Protection Act (FIPPA) and its implementing regulations to attract foreign investment for projects in the country

Keywords: project financing, corporate financing, buy-back contracts, BOT contracts (Build, operating, transfer), Foreign Investment